



با گذشت بیش از یک قرن و چندین دهه از پیدایش و تولد هنر و صنعت سینما، این هنر تخصصی و مردمی درگذر از مشکلات

پیدایش و تحمل دشواری‌ها و فشارهای اجتماعی و مذهبی دوران شکل‌گیری‌اش تا به امروز که عصر آمیختگی تکنولوژی‌های دیجیتال و پیوند آن با شبکه‌های اجتماعی راه دشوار و پرفراز و نشیبی را پیموده و به همت فن‌آوران و فیلمسازان و کارگردانان و کلیه هنرمندان سینمایی برجسته در همه تخصص‌های زیرمجموعه‌اش به مرتبه و جایگاهی یگانه در میان همه هنرها در جهان امروز رسیده است.

در این راستا و برای رسیدن به این مهم تفکر و عملکرد حرفه‌ای و تخصصی برخی از این فن‌آوران و هنرمندان سینمایی شاخص‌تر، قابل بحث‌تر و ماندگارتر بوده است، به طوری که تأثیر و عملکرد فنی و هنری‌شان جزء و بخشی از نقطه عطف‌ها و حس بزنگاه‌های تاریخ پربار هنر صنعت سینما به حساب می‌آید.

سرچو لئونه کارگردان ایتالیایی یکی از همین هنرمندان نامی به عنوان یک از اثرگذارترین شخصیت‌های سینما و یکی از بزنگاه‌های تاریخی سینما است که آثار گوناگون او هنوز پس از دهه‌ها گذشت از تولیدشان در محافل سینمایی و منتقدان سینمای بسیاری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

درباره آثار سرچو لئونه نوشتن و بحث کردن بسیار سهل و متنوع و بعضاً بسیار دشوار است، زیرا که دنیا و تفکر هنری و سینمایی پررزم و راز پیچیده‌ای دارد و ساختار آفارش از چنان سرچشمه‌های غنی و غریبی بهره‌مند است که از زمان یافتن و گشودن راز و رمز و ارجاع‌های سینمایی و موفقیت‌های حیرت‌انگیز هنری‌اش را تقریباً دشوار می‌کند. فیلم‌های لئونه هر قدر که از زمان تولیدشان می‌گذرد، شهرت و محبوبیتی بسیار پیش از زمان ساخته شدنشان به دست می‌آوردند. سرچو لئونه کارگردان و فیلمنامه‌نویس ایتالیایی متولد ۱۹۲۱ فرزند سینما بود. پدرش کارگردان مشهور ایتالیایی که در دوران سلطه فاشیسم متوقف‌الکار شده بود و پسرش در میان فیلمسازان و در صحنه‌های فیلمبرداری بزرگ شد. سرچو لئونه در زمان حیاتش ادعا داشت که نخستین وسترن ایتالیایی را پدرش ساخته است.

جنگ دوم جهانی که به پایان رسید و فاشیسم دولتی موسلینی منقرض شد علاوه بر تولد و رشد سینمای رئالیسم ایتالیا سیل فیلم‌های آمریکایی و رمان‌های آمریکایی و فیلمنامه گوناگون به‌ویژه از نوع و ژانر وسترن به ایتالیا سرازیر شد و زمینه برای رشد اینگونه فیلم‌ها فراهم شد اما نه با همان ساختار قوام یافته آمریکایی‌اش بلکه با ساختارشکنی و بنیان‌گذاری ساختار نوین به سبک ایتالیایی که لئونه بنیانگذار و استاد اصلی آن تغییر و حرکت بود.

فیلم‌های لئونه را که تماشا کنیم متوجه می‌شویم حاصل کار فیلمسازی هستند که دنیا را از طریق پرده سینما و لنز دوربین و در محدوده استودیوهای فیلمسازی و قالب‌های هنری رایج آن روزگار طبقه‌بندی کرده و شناخته است. در چنین شرایطی است که تمدن غرب و قصه‌های گوناگون غرب و شیئی برایش به محدودهای قابل بررسی از میان فیلم‌هایی که دیده بود و کتاب‌هایی که خوانده بود تبدیل شده‌اند. آمریکا

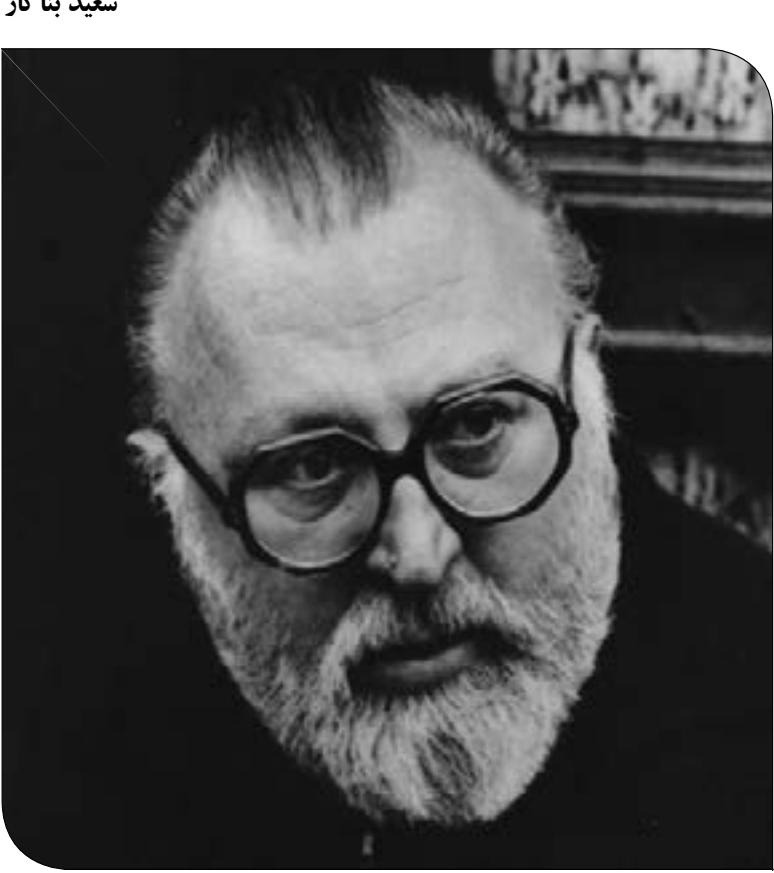
به عنوان جامعه‌ای مشخص و نمونه‌ای قابل بررسی از دگرگونی‌ها و سرنوشت بشر در دو قرن اخیر از دوران حاکمیت اسطوره‌ها و شخصیت‌های اجتماعی و سیاسی و قابل بحث تا سر برآوردن انسان مدرن و ماجرای صاحبان بومی و اصلی غرب قدیم تا پول و سرمایه و قدرت و خشونت و فساداری که از درون آن بیرون شد و به قلیش زد و آنگاه به خودآگاهی رسید. اینها همه به دستمایه‌های مورد علاقه برای لئونه تبدیل شدند؛ تا بتواند ارتباطی را که هنر سینما با منجمد و زنده نگه داشتن زمان دارد را در قالب فیلم‌های گوناگون در تصویر کند.

آثار لئونه همان قدر از تجربه‌اش به عنوان یک تماشاگر عاشق در سالن‌های سینما وام می‌گیرد که از کودکی و نوجوانی پرمراجایش در دوران استیلای فاشیسم و جنگ جهانی دوم همان قدر در داستان‌ها و حکایت‌ها و باورهای اسطوره‌ای و نمود عینی‌اش، در داستان‌های پریان ریشکر دارند؛ فیلم‌ها و داستان‌هایی که از فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان آن دوران بودند به عنوان مثال فیلم‌هایی چون «برباد رفته» ویکتور فلمینگ ۱۹۲۹ فیلمی که لئونه همیشه دلش می‌خواست آن را بازسازی کند، «موسو وردو» چارلی چاپلین ۱۹۴۷، «جنرال» باستر کتینن ۱۹۲۷، «هفت سامورایی» اکیرا کوروساوا ۱۹۵۴، هاوراد هاکس ۱۹۵۹، «دلیجان» جان فورد ۱۹۳۹، «مردی که لیبرتی والاس را کشت» جان فورد ۱۹۶۲ و … این اسامی تعدادی از فیلم‌هایی است که سرچو لئونه همیشه از تماشای آنها لذت می‌برده است و پیش‌زمینه‌ها و دغدغه‌های فکری و هنری سینمایی‌اش را شکل داده بودند.

فیلم‌های نخستین لئونه فیلم‌هایی نه چندان مشهور و به نوعی آثار دست‌گرمی بودند که به دلیل وجود فیلم‌هایی بسیار از کارگردانان نامی نمی‌توانستند عرض اندام کنند. اما لئونه با سه‌گانه «به خاطر یک مشت دلار»، «یک مشت دلار بیشتر» و «خوب، بد، زشت» توانست با نگاهی نو و تغییر و دستکاری عناصر و المان‌های ساختاری ژانر وسترن آثاری جاودانه بسازد و هم نام خود را در تاریخ سینما ماندگار کند. فیلم بدلی لئونه «روزی، روزگاری در غرب» بود که بر اساس داستانی با شخصیت‌های نمونه‌ای و تاریخی و رفتار رایج اجتماعی و بر اساس جهان‌بینی آن دوران ساخته شده‌اند که بازتاب دهنده دهه پرتلاش ۱۹۶۰ بود و فیلم بدلی‌اش «سرت را بسزد رقیق» که محصول دوران سرخوردگی اواسط دهه ۱۹۷۰ بود و بالاخره فیلم «روزی روزگاری در آمریکا» که در زمانه محافظه‌کاری ۱۹۸۰ حال و هوایی بسیار حسرت‌برانگیز داشت و آنگاه ناخودآگاه شخصی و دغدغه‌های فکری و خالق تخلق لئونه را به این فیلم‌ها اضافه کنیم ناگهان خود را در برابر مجموعه‌ای بسیار پیچیده می‌یابیم که یافتن دلایل اهمیت و تأثیر بر تماشاگر بسیار دشوار است.

لئونه از جمله فیلمسازان بزرگ است که دنیای خودشان را ساخته‌اند و به چنان مرتبه‌ای رسیده‌اند که توانسته‌اند زبان و لحن ویژه خودشان را داشته باشند. برای شناختن فیلمسازی و افکار و دغدغه‌های لئونه فیلم «خوب، بد، زشت» ۱۹۶۶ بهترین فیلم و شاخصه و گزینه ذهنی‌اش است که با بررسی آن می‌توان به پیچیدگی و رمز و راز دنیای فیلمسازی او پی برد. فیلمی از کارنامه لئونه که در هنگام ساختش دیگر دوران تجربه‌اندویش و محدودیت و آزمون و خطا را پشت سر گذاشته بود و به مرحله خودآگاهی و بلوغ فکری کامل چه در سبک و چه در جهان‌بینی موقعیت و موقعیتی

تولد یک اسطوره‌ساز تاریخ سینما سر جو لئونه ۱۹۸۹–۱۹۲۹



که دیگر آثارش کامل به آن نرسیده‌اند «خوب، بد، زشت» محصول دورانی است که این کارگردان به گونه‌ای شدیدتر مستخر اسطوره‌ها و سینما بود ضمن اینکه در این فیلم هنوز با فیلمسازی طرفیم که اعتقادش را به تاریخ سینما و سرگرم کردن تماشاگر از دست نداده بود؛ ساخته دورانی که لئونه چندان تلخ نشده بود. خوب، بد، زشت فیلمی است ساده، متناقض، پیچیده، شخصی، سنت‌شکن و وام‌دار تاریخ سینما و در عین حال محبوب البته برای شناخت و بررسی دنیای فیلمسازی این کارگردان صاحب سبک که فیلم‌ها و آثار دیگرش را هم می‌توانستیم بررسی نماییم. اما به این دلیل آن دوران ساخته شده‌اند که بازتاب دهنده دهه پرتلاش ۱۹۶۰ بود و فیلم بدلی‌اش «سرت را بسزد رقیق» که محصول دوران سرخوردگی اواسط دهه ۱۹۷۰ بود و بالاخره فیلم «روزی روزگاری در آمریکا» که در زمانه محافظه‌کاری ۱۹۸۰ حال و هوایی بسیار حسرت‌برانگیز داشت و آنگاه ناخودآگاه شخصی و دغدغه‌های فکری و خالق تخلق لئونه را به این فیلم‌ها اضافه کنیم ناگهان خود را در برابر مجموعه‌ای بسیار پیچیده می‌یابیم که یافتن دلایل اهمیت و تأثیر بر تماشاگر بسیار دشوار است.

لئونه از جمله فیلمسازان بزرگ است که دنیای خودشان را ساخته‌اند و به چنان مرتبه‌ای رسیده‌اند که توانسته‌اند زبان و لحن ویژه خودشان را داشته باشند. برای شناختن فیلمسازی و افکار و دغدغه‌های لئونه فیلم «خوب، بد، زشت» ۱۹۶۶ بهترین فیلم و شاخصه و گزینه ذهنی‌اش است که با بررسی آن می‌توان به پیچیدگی و رمز و راز دنیای فیلمسازی او پی برد. فیلمی از کارنامه لئونه که در هنگام ساختش دیگر دوران تجربه‌اندویش و محدودیت و آزمون و خطا را پشت سر گذاشته بود و به مرحله خودآگاهی و بلوغ فکری کامل چه در سبک و چه در جهان‌بینی موقعیت و موقعیتی

تئیتی و دادگستری

<div><div></div></div>	<div>آکهی احضار متهم</div>
در پرونده شماره ۹۴-۷۶۶ شعبه ۵ بازپرسی دادسرای ناحیه یک شیراز متهم رضا حسینی به اتهامات ایراد ضرب و جرح عمدی و اهانمت تحت تعقیب قرار دارد با توجه به معلوم بودن محل اقامت وی و عدم امکان ابلاغ احضاریه و عدم دسترسی به او با طبق ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مراتب یک نوبت در روزنامه عصر مردم آکهی و متهم ظرف مهلت یک ماه احضار می‌شود پس از انقضای مهلت مذکور تصمیم لازم گرفته خواهد شد.	

<div><div></div></div>	<div>آکهی ابلاغ وقت رسیدگی</div>
بدینوسیله به سید جواد سررانی فرزند محمدرضا ساکن قبلی فسا که به لحاظ مجهول بودن نشانی از وی در دست نمی‌باشد ابلاغ می‌گردد که در رابطه با شکایت اداره زندان فسا علیه وی شکایت تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان فسا نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان فسا واقع در استان فارس شهرستان فسا ارجاع و به کلاسسه ۹۴-۹۹۸۷۳۱۰۳۰۶۶۱ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن مورخ ۹۴/۱۱/۲۱ ساعت ۹ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خواندگان /متهمان و درخواست خواهان / شش‌اکی و به تجویز ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آکهی می‌شود تا خواندگان /متهمان پس از نشر آکهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضامن را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردند.	

<div><div></div></div>	<div>آکهی اخطار به دفتر خانه به زوج جهت ثبت طلاق</div>
مجتبی عباسی فرزند فیروز به اطلاع می‌رساند با توجه به دادنامه شماره ۹۴-۹۹۷۰۳۰۹۹۵۷ مورخ ۹۴/۷/۲۰ صادره از شعبه ۷ دادگاه خانواده شیراز شما موظف هستید ظرف مدت ۷ روز از تاریخ نشر آکهی به دفترخانه به نشانی چهارراه ملاصدرا رحمت‌آباد کوچه ۲۸ قصدردشت فرعی دوم سمت چپ مراجعه و طلاق را به ثبت برسانید در غیر این صورت برابر مقررات ثبتی اقدام خواهد شد.	

پکین با کارگردان فیلم «این گروه خشن» ژانر هم دگرگون شده بود. خوب، بد، زشت محصول چنین دورانی است. دوران گسترده‌تر شدن مرزهای ژانر وسترن، قهرمان فیلم خوب، بد، زشت «آنجل آیز» با بازی کلینت ایستوود علاوه بر اخلاقیات ویژه قهرمانانه دیگر آثار وسترن دارای خصوصیات خاص خود یعنی سیاستمداری، تیزبینی همراه با خرد و اندیشه انسانی منطبق با اصول و منطق رایج آن است که بدون هیچ کم و کاستی از آنها در مقابل دیگر شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان پیروی می‌کند. ایستوود در نقش مرد بی‌نام و نشان در این فیلم شخصیتی را ارائه می‌دهد که تا قبل از آن در هیچ فیلم وسترن دیگر به تصویر نیامده بود یعنی یک قهرمان خوب به معنی واقعی آن بدون هیچ کم و کاستی. «آنجل آیز» ایستوود حتی برای رسیدن به صندوق‌های سکه طلا که هدف نهایی او است به کسی خیانت نمی‌کند. شخصیت بد داستان «استنزا» با بازی لی وان کلیف که خشونت بیش از حدی دارد یک نمونه کامل از ماشین آدمکشی است که به هیچ قاعده و خط قرمزی اعتقاد ندارد و با رفتار خیانت‌کارانه خود قواعد بازی و رفتار ارتباطی‌اش با دیگر آدم‌های فیلم را خود تعیین و می‌نویسد و یک سمبل و نمونه بد بودن است.

شخصیت «زشت» فیلم با بازی ایلای والاک در نقش «توکو» یکی از پیچیده‌ترین شخصیت‌های تاریخ ژانر وسترن است که اخلاقیات و خلق و خوی او هیچ مرزی ندارد. این سه شخصیت همان سمبل و نمونه‌های ساخته و پرداخته ذهن پیچیده لئونه هستند که مابه‌ازاهای بسیاری در جوامع انسانی امروزی دارند. شخصیت‌هایی که بی رنگ و ساختار قوی و پیچیده اثر را غنای بیشتری بخشیده‌اند.

فیلم جایگاهش را در فهرست بهترین‌های عصر چند فیلمساز و منتقد به دست آورده و حالا که نگاه می‌کنیم حاصل بی‌همتای یک نگاه و سلیقه بسیار خاص به نظر می‌رسد که به شکل حیرت‌انگیزی قابلیت عرضه به چند نسل و میلیون‌ها مخاطب در دوره‌های گوناگون را یافته و بر تاریخ سینمای پس از خودش هم تأثیر به‌سزایی گذاشته است ضمن اینکه جدا از اهمیت تاریخی و اقبال عمومی، ارزش‌های تماتیک و فرعی آن مدام مشخص‌تر و واضح‌تر به نظر می‌رسد.

لئونه در این فیلم با سه شخصیت خاص کوشیده بر زمینه جنگ‌های انفضال آمریکا عمقی به این داستان واقعی بخشد و ژانر وسترن را به سوی عرصه‌های تازه‌ای هدایت کند. لئونه عاشق سینمای وسترن بود و در روزگاری از راه رسید و امکان فیلم ساختن را پیدا کرد که ژانر وسترن داشت آخرین نفس‌هایش را می‌کشید پس لئونه مجبور بود برای ادامه حیات ژانر محبوبش آن را با مقتضیات زمان هماهنگ کند و لحن و بوی خاص و تازه‌ای به آن ببخشد همان داستان قدیمی، باید محبوبش را برای زنده نگه داشتن و جاودانه ساختن ابتدا بکشد. او عاشقی بود که فردیت خودش را داشت پس واقع‌گرای تند و تیزی را به وسترن اضافه کر که و همچنین طنز گستاخانه‌ای را که پیش از اینها نمونه‌اش را نداشتیم. با سه‌گانه لئونه خشونت در وسترن بیشتر شد. قهرمان‌ها و شخصیت‌های فیلم‌ها ابعاد تیره‌تر و پیچیده‌تری یافتند. اخلاقیات تازه‌ای با گرفت که با دوران معصومیت ژانر وسترن ارتباط چندانی نداشت. وسترن با عملکرد نو‌بالغ‌تر شد و ارجاع‌های اسطوره‌ای و مذهبی و جهان‌بینی پیچیده‌تری یافت. جهان تغییر کرده بود و از طریق لئونه و دیگر وسترن‌ساز هم‌دوره‌اش سام

بیشتر متبلور است به عنوان مثال نمایی از یک بیابان وسیع البته نه آنگونه که در دیگر فیلم‌های وسترن دیده‌ایم. ناگهان چهره کیف و خشن و دوفرمه کاراکتری از داستان وارد کادر می‌شود و بیابان بی‌انته‌ا را می‌پوشاند. این تازه در مورد شخصیت‌های حاشیه‌ای داستان است که تا قبل از آن در فیلم‌های وسترن صاحب چنین تصویر و چنین جایگاهی نبود و عیب و ایرادهای فیزیکی و صورتش پوشیده‌تر بود و معمولا در نمای آغازین فیلم ظاهر نمی‌شد اما این نخستین نمای خاص و تحلیلی بی‌انتهایش در انتخاب کارهای تصویری غیررایج و کم‌استفاده شده چون نماهای بسته کلوزآپ و اکستریم کلوزآپ از جزئیات صورت و دیگر اجرای فیزیکی شخصیت‌ها جهان‌پردازي و داستان‌گویی و شکل و فرم میزان واقع‌گرایی جلوه می‌کند و تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب مثل هر محتسوی اصلی و واقعی دیگری همه چیز ابتدا از ظاهر آغاز می‌شود. لئونه شکل ظاهری و محتوایی وسترن‌ها را تغییر داد و همان گونه که به لحاظ درون‌مایه وارد حوزه‌های تازه‌ای شد به لحاظ تصویری هم مخاطب را در تجربه تازه‌ای شریک کرد. ترکیب شاهکار موسیقی موریکونه با ریتم و بافت تصویرها از نخستین فیلمش وجود دارد و با هر اثر تازه‌ای هماهنگی افزون‌تری می‌یافت و تأثیر اغلب صحنه‌های فیلمی چون خوب، بد، زشت بیش از آنکه از متن روی کاغذ باشد از شیوه کنار هم نهادن نماها و همچنین روشی که هر کدام از این نماها ساخته و پرداخته شده می‌آید که چالب است.

زمان به عنوان یکی از عناصر مهم ساختار و روایت فیلم در میان تمام آثار لئونه به نقطه‌ای قابل اتکا تبدیل شده‌اند. عنصر زمان در دنیای مؤلفی بی‌مثال چون لئونه قابلیت بحثی جداگانه دارد. زمان در فیلم‌های لئونه همیشه دغدغه فرمی و تماتیک اصلی بوده است. لئونه از طریق ابزاری که در بازتولید زندگی در اختیار داشت همواره کوشید تا «روزی روزگاری در غرب» به ایده اصلی اجرایی فیلم تبدیل شد. فیلمی که به عقیده خودش آخرین لحظه‌های پیش از مرگ هر کدام از شخصیت‌هایش را تصویر می‌کند. پس از شکست‌های زمانی لئونه در فیلم‌های خوب، بد، زشت و روزی روزگاری در غرب و روزی روزگاری در آمریکا واپسین فیلمش تنها یک ابزار دراماتیک نبود بلکه برای آشنایی دادن از گذر زمان در مسیر داستان و توجه دادن تماشاگر به این نکته مرکزی بود.

زمان می‌گذرد و امروزه هم نسل‌های لئونه با اینکه در زمان حیاتشان بسیار مورد توجه بودند روز به روز بیشتر فراموش می‌شوند اما شهرت و اعتبار لئونه و فیلم‌هایش از همیشه بیشتر می‌شود. در نظرسننرین‌های امروز میان علاقمندان سینما آثار او رتبه بالایی دارند به اندازه محصولات روز مطرح سینمای جهان و از جمله مهم‌ترین این آثار خوب، بد، زشت است که یک وسترن مردانه که از دل قصه‌های اسطوره‌ای و پریان بیرون آمده اما منطبق با کهن الگوهای داستان سه شخصیت که اسم فیلم را هم تشکیل می‌دهند فرشته (خوب) کلینت ایستوود، شیطان (بد) لی وان کلیف و نوع بشتر زشت (ایلای والاک) با همان سبک و شیوه اپراگونه ویژه لئونه پر از وقایع عجیب و غریب که در واقعیت معمولا رخ نمی‌دهند اما آن قدر به واقعیت نزدیکند که با حقیقت همخوانی دارند. لئونه این تاریخ‌ساز سینما در روز ۳۰ آوریل سال ۱۹۸۹ در حالی که سرگرم تماشای فیلم «می‌خواهم زنده بمانم» رابرت وایز ۱۹۵۸ بود جان به جان آفرین سپرد.

آکهی ابلاغ دادنامه

کلاسهِ: ۹۴-۹۹۸۸۸۳۶۱۰۲۷۴ ش ۱
دادنامه: ۹۴-۹۹۸۸۸۳۶۱۰۳۴۷ مورخ: ۹۴/۷/۲۲
بایگانی: ۹۴-۲۷۴

مرجع رسیدگی کننده: شورای حل اختلاف آباده ششک
خواهان: فاطمه طهماسبی فرزند محمد به آدرس آباده ششک
خیابان شهید رجایی کوچه لاله ۳ منزل قریان سرچله‌ای تلفن ۹۴۷۶۹۶۱-۹۵.

خواندگان: ۱- هدایت قراران فرزند محمدمتقی به آدرس آباده ششک خیابان ساحلی نبش کوچه ۳ تلفن ۹۱۷۹۱۵۱۹۶-۰۲-۲- حبیب قحیبی فرزند محمدحسین مجهول‌المکان

خواسته: انتقال سند

گردشکار: به تاریخ ۹۴/۶/۳ در وقت فوق‌العاده جلسه رسیدگی

شورای حل اختلاف آباده ششک به تصدی امضاننده ذیل

تشکیل است. پرونده کلاسسه ۹۴-۱۹۱۹۱ از دفتر شورواصل و تحت نظر قرار گرفت. با بررسی محتویات پرونده ملاحظه می‌گردد با توجه به مراتب فوق و ملاحظه نظریه مشورتی اعضای شورا و سایر محتویات پرونده ختم رسیدگی اعلام و به شرح ذیل

مبادرت به صدور رای می‌گردد.

رای قاضی شورا

در مورد دادخواست فاطمه طهماسبی فرزند محمد به طرفیت هدایت قراران فرزند محمدمتقی و حبیب قحیبی فرزند محمدحسین به خواسته الزام خواندگان به تنظیم سند رسمی خودرو پراید مدل ۱۳۸۹ شماره انتظامی به نام خواهان با اعلام سا اوراق و محتویات پرونده و با عنایت به مدارک پیوست (قرارداد فروش) و نتیجه استعلام در خصوص مالکیت خودرو و نیز ملاحظه نظریه مشورتی اعضای شورا دعوی خواهان را وارد دانسته و با استناد به ماده ۱۹۸ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی حکم بر محکومیت خوانده ردیف دو به انتقال سند رسمی به نام خواهان به انضمام پرداخت هزینه دادرسی در حق نامبرده اخیر صادر و اعلام می‌نماید در خصوص خوانده ردیف یک دعوی متوجه وی نبوده و به استناد ماده ۸۴ قانون فوق‌الذکر در این خصوص شورا حکم به رد دعوی صادر و اعلام می‌نماید رای صادره غیابی و ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این مرجع و در ۲۰ روز پس از آن قابل اعتراض در محاکم ذیصلاح می‌باشد.

قاضی شورای حل اختلاف آباده ششک
جواد عمادی